

# بسم الله الرحمن الرحيم

❑ **محورهای صحبت آقای علی اکبر جباری دبیر تشکل راه بیداری**

❑ **جلسه ۱۰۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۱**

## ➤ **اهمیت پیوست رسانه ای اتفاقات**

مهم‌ترین مسئله ای که در حال حاضر در کشور وجود دارد و به نحوی ذهن همه را درگیر کرده است، قضیه ویروس کرونا است. با پیشرفت علم و تکنولوژی و پیشرفت لوازم و وسایل ارتباط جمعی، قدرت و اثرگذاری کار رسانه‌ای بیشتر شده است. در بسیاری از اتفاقات پیش از آن‌که خود اتفاق تاثیرگذار باشد، رسانه‌ها در آن مورد با جوسازی افراد را وادار به حرکت در مسیر آن اتفاق می‌کنند؛ به گونه‌ای که در اتفاقات مختلف ما نقش رسانه را بسیار پر رنگ می‌بینیم. دشمن در گذشته با نیروی نظامی و فشار اقتصادی و ... کار خود را پیش برده است-البته به موفقیت نرسیده است-. الان اهداف خود را با رسانه پیش می‌برد و درصدد برطرف کردن نقاط ضعف شان و تبدیل آن ضعف‌ها به نقاط قوت دارد. در قضیه کرونا نیز به همین صورت است پیش از آنکه خود ویروس کرونا مهم باشد پیوست رسانه‌ای آن مهم است. خط اصلی رسانه‌های معاند در این مدت خصوصاً BBC ، من و تو و ... ایجاد رعب و وحشت بیش از حد بین مردم است. آنها با القاء این حرف که «ما نمی‌توانیم در برابر این بیماری موفق شویم»، فضای ناامیدی را بین مردم ایجاد می‌کنند .

## ➤ **اصرار رسانه های معاند بر شایعه پراگنی**

برخی می‌گویند: این قضیه جنگ بیولوژیک است؛ که توسط آمریکا و ... به راه افتاده است. البته این سخن در حد یک نظریه است و قابل بررسی می‌باشد؛ اما هجمه رسانه‌ای یک تئوری نیست و یک واقعیت است. جنگ رسانه‌ای که هیچ کس حق ندارد خلاف روند حرکت رسانه ها (ایجاد رعب و وحشت) حرکت کند. به طور مثال شبکه‌های BBC ، من و تو و ... و مجریان آنها -که هر کدام برای خود ، یک رسانه هستند- به ایجاد رعب و وحشت حداکثری در این قضیه(کرونا) پرداخته اند. آنها در برابر هر چیزی که مخالف این رعب و وحشت باشد، مقاومت می‌کنند. به طور مثال، این رسانه ها ۴۰ سال است تلاش می‌کنند تا در کشور ما، بی بندوباری و رقص و ... آزاد شود؛ اما در برابر کلیپ رقص پرستاران در یک مرکز درمانی -که به اسم روحیه دادن به بیماران انجام شده است- مخالفت کردند ، تا آنجا که گفتند «این کار اطلاعات سپاه است!!!» این حجم از شایعه پردازی برای این است که ذره‌ای از حجم رعب و وحشت ایجاد شده ، کم نشود و به شدت در مقابل آن ایستاده اند .

## ➤ **پاسخ به شبهات کرونایی**

ما ویروس کرونا را جدی می‌گیریم؛ اما جدی تر از آن جنگ رسانه‌ای پیوست آن است. رسانه های معاند، این گونه القا می‌کنند که «مسئولین جمهوری اسلامی دروغ می‌گویند» ، مسئولین را متهم به پنهان کاری می‌کنند و می‌گویند: «اگر قضیه بیماری کرونا در ایران، زودتر اطلاع‌رسانی می‌شد ، این حجم از تلفات را نداشتیم.» « اگر شهر قم قرنطینه می‌شد ، این بیماری به همه ایران منتشر نمی‌شد.» و ... در نتیجه حکومت ایران بی‌کفایت است و باید کنار برود. در جواب به این شایعات باید گفت :این ویروس به ایران

انتقال یافته و همه را درگیر کرده است. ما هم قبول داریم در مواردی کمبود مواد ضد عفونی و بهداشتی وجود دارد؛ آیا مسئولان کشور ایتالیا توانستند از شیوع این ویروس پیشگیری کنند؟ الان بالغ بر ۱۰۰ کشور دنیا، درگیر این ویروس شده اند. این بیماری، حتی به آمریکا هم رسیده است، به آنجا چرا و چگونه رسیده است؟ کشور چین شهر ووهان-به عنوان مرکز شیوع کرونا - را قرنطینه کرد اما باز می بینیم که بیماری به همه دنیا سرایت کرده است. در خود آمریکا الان مواد ضد عفونی کننده نایاب است و در برخی موارد تا ۱۶ برابر قیمت اصلی اعلام شده است ، ولی این رسانه‌های معاند، آمریکا و ایتالیا را بی کفایت جلوه نمی‌دهند!

مسئولین ایران را به مخفی کاری محکوم می‌کنند، در صورتی که سازمان بهداشت جهانی آمار ایران را تایید کرد. دولت آمریکا اعلام کرد به جز معاون اول هیچ کس حق ندارد در رابطه با آمار مبتلایان به ویروس کرونا اظهار نظر کند و الا حبس در انتظار اوست؛ اما در ایران از یک فرماندار جز تا مسئولین بهداشتی و ... در این مورد حرف زده و آمار راست و دروغ منتشر می‌کنند؛ که در برخی موارد، حتی آمار کل فوتی‌های یک شهر را (آگاهانه یا ناآگاهانه) به عنوان تلفات ناشی از کرونا بیان کرده‌اند. با این موارد باز هم، حکومت ایران را متهم به مخفی کاری می‌کنند.

### ➤ برنامه ریزی دقیق و از پیش تعیین شده رسانه های معاند

این مطلب مهم است که ما درک کنیم که در یک جنگ نابرابر رسانه‌ای هستیم ، BBC فارسی با اینکه منشاء بیماری کرونا چین بوده، کلاً ۴ خبر در مورد چین و کرونا داشته، اما در رابطه با ایران و بیماری کرونا بیش از ۳۰۰ مرتبه دو کلمه ایران و کرونا را با هم به کار برده است. خبرهایی از این دست، نشان دهنده برنامه‌ریزی قبلی است .

### ➤ جنگ رسانه ای در آنجا که «مردم» حضور دارند.

ما باید حواسمان به خاکریز اصلی و موضوع اصلی جنگ معطوف باشد. حواشی این قصه که «آیا بیوتورویسم است یا نه؟» در حد یک بار شنیدن و خواندن کفایت می‌کند. ما باید بر روی جنگ رسانه‌ای خصوصاً در فضای اینستاگرام بسیار متمرکز و فعال شویم. مردم عادی در اینستاگرام هستند. بین صفحات رسانه‌ای، صفحه بی‌بی‌سی فارسی پرمخاطب‌ترین صفحات خبری است که فارسی زبانان در آن عضو هستند ، یعنی مردم ما مخاطبشان هستند . صفحات جانبی مانند دست اندرکاران و مجریان آن شبکه‌ها نیز مخاطبین میلیونی دارند اما پرمخاطب‌ترین رسانه انقلابی ما کمتر از ۶۰۰ هزار مخاطب دارند ؛ که اکثریت آنها هم افراد انقلابی هستند. -ما در کنار آرمانگرایی باید واقع‌بین هم باشیم. واقعیت را بدانیم که مردم عادی در اینستاگرام هستند. آنها در پیام رسان بله و کانال تشکل راه‌بیداری نیستند- در اینستاگرام باید حضور جدی داشته باشیم. در صفحات افراد ضد انقلاب وارد شویم و آنها را تحت نظر داشته باشیم و در حد یک « نه » جوابشان را بدهیم مخالفت خود را ابراز کنیم. به پاسخ شبهاتی که ایجاد می‌کنند، مسلح شویم و در صحبت با مردمان عادی به آنها جواب دهیم. متأسفانه مردم عادی صحبت‌های متناقض بی‌بی‌سی را می‌پذیرند و در یک فضای ناامیدی و بی اعتمادی بسیار زیادی نسبت به حکومت و دولت به سر می‌برند .

### ➤ الان زمان کمک به دولت است نه انتقام!

در بین مردم عادی بین دولت و حکومت تفکیکی وجود ندارد. اکنون زمان انتقام از دولت نیست. اوضاع آنقدر نگران کننده و خاص است که هر نقد ما به دولت، مستقیماً به حکومت بر می‌گردد. در قصه کرونا باید تا آنجا که می‌توانیم به دولت کمک هم بکنیم هرچند که قصه کرونا باعث شده که کم کاری دولت پوشانده شود. بلاتشبیبه شرایط مثل اوایل زمان جنگ است. در اوایل جنگ،

فرمانده کل قوا(بنی صدر) خائن بود و به ارتش دستور داده بود تا به بسیجی‌ها و سپاهی‌ها اسلحه ندهند؛ اما مردم و بسیج و سپاه پا پس نکشیدند؛ و حتی با مال و جان خود کار جنگ را پیش بردند. الان وقت نقد دولت نیست.

### ➤ **جنگ رسانه ای را دریابید.**

ما در جنگ رسانه‌ای هستیم و باید برای آن وقت بگذاریم. کارهایی مانند کمک در بیمارستانها یا ضدعفونی معابر و ... کارهای خوبی هستند و ان‌شاءالله هر کسی انجام می‌دهد مأجور است. مهم تر از این قبیل کارها، شرکت هدفمند در جنگ رسانه‌ای و جهاد رسانه‌ای است. ما باید در این جبهه به صورت سازماندهی شده و تشکیلاتی وارد شویم. این درست نیست که هرکس به صورت انفرادی، هرچه به ذهنش رسید انجام دهد، اینطوری وقت و توانش را به طور بهینه استفاده نکرده است .

در حال حاضر آگاه سازی مردم بسیار مهم است. این که ما در خیابان یا مکان های دیگر با مردم عادی ارتباط بگیریم و با آن ها صحبت کنیم برای خود ما هم خوب است. این گونه می‌توانیم هم به شبهاتی که به شدت در حال پخش شدن بین مردم است و اعتماد آنها را از بین می‌برد، مسلط شویم و هم جلوی این شایعات بایستیم. در قضیه کمک به کادر پزشکی افرادی هستند که این کارها را انجام دهند اما کسی به فکر جنگ رسانه ای نیست.

### ➤ **حواسمان به مردم آسیب دیده هم باشد!**

افرادی هستند که به خاطر قصه کرونا شغل و درآمد خود را از دست داده‌اند. این افراد باید در اولویت کمک های ما باشند. باید کمک های مالی ما جهت دار به سمت این افراد باشد. اگر می‌توانیم برای آنها حتی به صورت موقت، شغل ایجاد کنیم. یا این که کاری کنیم تا آنها در این شب عید اوضاع شان بهتر شود. جلوی تهاجم دشمن با هر مقدار توان که می‌توانیم، باید مقاومت کنیم .

### ➤ **تأثیر یک « نه » به ضد انقلاب**

بزرگواران! موضوعات قسمت عملیات و تولید محتوا را با تمام توان انجام دهند و سعی کنند افرادی را با خود همراه کنند. لزومی ندارد که نامی از تشکل راه بیداری بیاوریم. در این جنگ رسانه‌ای، مهم این است که ما یک «نه» بگوییم. بنده در این سه هفته در زیر پست های افراد ضد انقلاب در اینستاگرام، کامنت هایی کوتاه بدون هرگونه توهین و کنایه قرار داده ام، هر چند آنها هم فحاشی و هم توهین کردند ، همین فحاشی آنان نشان می‌داد که آن «نه» به آنها فشار آورده است.

ما باید در جنگ کار را به ظرافت هر چه تمام تر انجام دهیم. در جنگ تلفات وجود دارد. عده ای کشته می‌شوند، عده‌ای یتیم و بی سرپرست می‌شوند. جنگ رسانه‌ای هم تلفات دارد. ما باید با زحمت و تلاش، جلوی تلفات را بگیریم. ولی اینکه از ترس تلفات اصلا وارد جنگ نشویم "اشتباه است. "

ممکن است در این جهاد، فحش هایی هم بشنویم اما اگر تحمل شنیدن یک فحش در خانه و از پشت گوشی را نداریم، ادعای مجاهد بودن در راه خدا، یک ادعای واهی می‌شود .

اگر ما بتوانیم در جنگ رسانه‌ای - که جنگ شناخت هاست و سنگین ترین قسمت جنگ است- تاثیر بگذاریم - ان شاء الله- به پیروزی نهایی نزدیک می‌شویم. قصه کرونا بالاخره تمام می‌شود، اما اگر ما در جنگ رسانه‌ای شکست بخوریم عوارض آن تا ده ها سال جبران نخواهد شد .

### ➤ **نیروهای انقلابی رسانه ندارند.**

آقای وحید جلیلی در یادداشتی (النصر بالرعب)، می‌گویند: «در قضیه وحدت یک عده با لابی‌گری وارد لیست شدند و افراد نامناسبی هستند و این امکان وجود داشت افراد اصلاح در لیست قرار بگیرند ولی ...»

در صورتیکه در این انتخابات همچنان خطر حضور افراد غریزه در مجلس باقی بود. این امکان وجود داشت که آنها بتوانند مثل روزهای قبل در لحظات آخر، نتیجه را به نفع خود تغییر دهند. این درست نیست که عده ای می‌گویند: «چرا از ترس رای آوردن طرف مقابل به این وحدت تن دادیم و چرا به گونه‌ای رفتار نمی‌کنیم که در عین وحدت بهترین لیست هم بسته شود؟» در پاسخ باید گفت: «این مطلب مهمی است که ما توان خود را ببینیم. نیروهای انقلابی توان رسانه ای ندارند و صدایشان به گوش مردم نمی‌رسد. سر بزنگاه افراد صاحب قدرت و رسانه که در هر دو طیف (اصلاح طلب و اصول گرا) هستند، بر روی مردم تاثیر می‌گذارند. وقتی افراد ناب و خالص انقلابی ما صدایشان شنیده نمی‌شود و در بین مردم ضریب نفوذ ندارند، بالاچار باید به وحدت تن بدهیم. نقطه ضعفی که در مطلب آقای جلیلی وجود دارد این است که «مردم» را نادیده گرفته است. مطلب در فضایی نگاشته شده است که انگار همه جامعه را افراد انقلابی تشکیل داده اند - بدون در نظر گرفتن مردم عادی-! و این صحیح نیست.

### ➤ مردم مقهور رسانه اند.

سؤال این است که چگونه خود را به نقطه‌ای برسانیم که اسیر باندهای قدرت و ثروت نشویم. یک مثال ساده این که نماینده گچساران با همه آن پرونده‌هایی که -در فساد- داشت و رد صلاحیت شده بود، مجدداً توانست تأیید صلاحیت را به دست آورد و در انتخابات پیروز شود. یعنی اینکه آدمی که صاحب قدرت و رسانه است، توانست تأیید شورای نگهبان (که از خود ماست) را به دست آورد. علت اینکه مردم بعد از ۴۱ سال باید به کسی رای بدهند که اصلاح نیست، این است که مردم اسیر و مقهور رسانه‌ها هستند. وقتی ما توان رسانه‌ای، شبکه و تشکیلات نداریم، باید به یکسری حداقل‌های خوب اکتفا کنیم. متأسفانه این دوره، کمترین میزان مشارکت در انتخابات پس از انقلاب اتفاق افتاده است و این نتیجه دشمن را جری می‌کند. خصوصاً اینکه در این دوره تعداد آراء لیست پیروز در تهران تقریباً برابر مجموع آراء لیست های پراکنده انقلابیون در دوره قبل بود. بررسی آراء نشان می‌دهد که تنها همان افرادی که در دوره قبل به لیست های انقلابی رای داده اند اکنون به لیست وحدت رای داده اند. از طرفی کسانی که در دوره قبل به جبهه غربی رای داده بودند و اکنون از عملکرد جبهه غرب زده ناامید شده اند، به سمت جبهه انقلابیون نیامده‌اند بلکه تصمیم گرفتند کلاً در انتخابات شرکت نکنند. در این میان، اتفاق خوب این است که همان عده ای که رای آورده‌اند، یک رای قوی و قدرتمند (با تعداد و درصد بالاتر از رقبا) دارند. این اتفاق به نظر بنده مهم تر از آن است که چهار نفری -که به زعم عده‌ای- بهتر بودند، رای نیاوردند.

### ➤ سالیان دراز برای تغییر زمان لازم است.

اینکه آقای جلیلی فرمودند: «تا کی می‌خواهیم به این صورت رای بدهیم؟» نظر بنده این است که ۴۰ سال زمان بسیار کمی است که همه مردم به آگاهی برسند و همراه شوند. در سایر انقلاب ها و اتفاقات مشابه گاهی چندین ۴۰ سال طول کشیده تا مردم به ثبات برسند و بینش و آگاهی لازم را کسب کنند. انقلاب اسلامی ایران که رخ داد در واقع برخلاف جریان حاکم بر دنیا حرکت کرد ۴۰ سال زمان زیادی برای تغییر مردم نیست. متأسفانه صبر انقلابیون کم است.

### ➤ تفاوت‌های کارتشکیلاتی اسلامی و قبیله گرایی و لابی‌گری

تفاوت کار تشکیلاتی اسلامی و قبیله‌گرایی در این است که در کار تشکیلاتی اسلامی عده‌ای از مومنین با اولویت‌ها و اهداف مشخص، دور هم جمع می‌شوند؛ اما در نظام قبیله‌گری و لابی‌گری اهداف متغیر است. یک بار هدف پول و بار دیگر هدف قدرت است.

در تشکیلات قبیله‌گرا و لابی‌گرا وقتی افراد می‌بینند که جمع به خلاف عقل و انتخاب اصلح پیش می‌رود اعتراض نمی‌کنند و بیشتر منافع مادی و قدرت را مد نظر دارند اما در تشکیلات اسلامی افراد اهل امر به معروف و نهی از منکر هستند و اجازه نمی‌دهند مسئولین به سمتی بروند تا منافع گروهی را فدای منافع شخصی کنند و اهداف و اولویت‌ها را تغییر دهند.

منتها این امر به معروف و نهی از منکر باید در طی یک فرآیند تشکل باشد. یعنی کسی می‌تواند این امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد که در بطن جریان کار در شوراها تشکل قرار بگیرد [یعنی وارد کارهای اجرایی شود]. کار تشکیلاتی در بستر زمان پیش می‌رود. اینگونه نیست که من نوعی آخرین لحظه پیشنهادی را مطرح کنم و انتظار داشته باشم همه افراد تشکل آن را بپذیرند! به طور مثال کارگروه انتخابات تشکل ما، از اوایل آبان‌ماه جلسات متعدد برگزار نمود و در نهایت به یک جمع‌بندی منطقی رسید. در این فرآیند همه افراد تشکل می‌توانستند شرکت کنند و نظر دهند [اما عده‌ای وارد میدان عمل و این فرآیند تصمیم‌گیری نشدند، ولی لحظه آخر هم توقع داشتند نظرشان پذیرفته شود!]. در تشکیلات قبیله‌گرایی و لابی‌گری، به هرکسی اجازه اظهار نظر در فرآیند اصلی تصمیم‌سازی داده نمی‌شود. حتی ممکن است از همه اعضا نظر خواهی صورت گیرد، ولی گاهی بر خلاف آن تصمیم‌گیری می‌شود، ولی تشکیلات اسلامی اینگونه نیست.

باید اصول کار تشکیلاتی را یاد بگیریم. کار تشکیلاتی با کار در هیأت یا مدل بارش فکری، متفاوت است. در کار تشکیلاتی باید قبل از عملیات به کمک تشکل بیاییم و در تصمیم‌سازی‌ها هم موثر باشیم، و در لحظه عملیات هم به خرد جمعی مومنین که به نتیجه‌ای رسیده‌اند، اعتماد کنیم.

## ➤ انتخاب بین بد و بدتر

این که آقای جلیلی فرمودند: «ما باید با تحقیق اصلح را انتخاب نماییم، یا اینکه - در لیست وحدت و ماجرای پیروزی آنها- کار با نظام لابی‌گری پیش رفته است.» اولاً باید گفت: بسیاری از ما توان کار تحقیقی نداریم. در ثانی اگر توان داشته باشیم، کسی به حرف ما توجه نمی‌کند، چون رسانه نداریم. گاهی انتخاب اصلح، موجب می‌شود بین بد و بدتر، بدتر رأی بیاورد. در این شرایط می‌توانیم به «افراد حداقل خوب» رضایت دهیم. ائتلاف و وحدت یعنی ایستادن بر روی حداقل‌های مشترک نه حداکثرهای مشترک. وقتی مقام معظم رهبری بر روی وحدت بین شیعه و سنی تاکید دارند یعنی حداقل‌های بینمان را تقویت کنیم و روی آنها بایستیم؛ نه اینکه ما برویم به مذهب آنها در آییم. در فرآیند انتخابات باید عموم مردم را مد نظر داشته باشیم که اغلب از قشر خاکستری هستند.

## ➤ اهمیت شبکه‌سازی مؤمنین

در قصه انتخابات اگر بخواهیم از قصه لابی‌گری و سهم‌خواهی نجات پیدا کنیم باید صاحب قدرت و رسانه شویم. منظور این است که صاحب رسانه‌های قوی شویم. راهکار پیشنهادی بنده برای انتخابات پیش رو این است که گروه‌های مردمی باید شبکه‌سازی بسیار قوی داشته باشند تا اگر افراد صاحب قدرت خواستند با قبیله‌گری و لابی‌گری کار خود را پیش ببرند، بتوانیم هدف آنها را خنثی کنیم. تصور بفرمایید اگر تمام مساجد شهر تهران در تیررس گروه راه‌بیداری باشد و با این قابلیت و برنامه ریزی که در یک هفته

برای همه مساجد تراکت پخش کند، آنوقت حتی اگر سیاسیون بخواهند با لابی‌گری کاری انجام دهند ، این کارشان توسط اطلاع‌رسانی مؤمنین بی اثر می‌شود.

### ➤ **وظیفه ما بعد از انتخابات چیست؟**

باید بدانیم حتی اگر همه مردم، به افراد اصلح رای دهند ، اتفاق بسیار خاصی در مجلس جدید رخ نمی‌دهد. سه مجلس هفتم، هشتم و نهم در دست انقلابیون بود. در مجلس نهم، برجام در ۲۰ دقیقه تصویب شد و در مجلس هفتم به بهانه الکترونیکی شدن مجلس ، شفافیت آرا از بین رفت. نه تنها در این سه مجلس هفتم و هشتم و نهم(مجالس انقلابی) اتفاق چشمگیری نیفتاد، بلکه متأسفانه بسیاری از مسائل اصلی مملکت بر زمین باقی مانده و کار موثری انجام نشد. پس کار اساسی چیست؟ این است که بعد از انتخابات، عملکرد نماینده‌ها را رصد کنیم و بر آنها نظارت داشته باشیم.

از الان تا ۷ خرداد -که شروع کار مجلس جدید است- باید به نماینده‌های منتخب فشار بیاوریم تا برنامه‌ریزی کنند. آنها باید در شروع کار مجلس طرح‌های بسیاری آماده داشته باشند منتخبین ما با توجه به حجم مشکلات از الان باید شروع به تشکیل جلسات نمایند و طرح‌هایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی سیاسی، فرهنگی و ... آماده کنند تا بعد از آغاز به کار مجلس یازدهم، با قوت کار را پیش ببرند. آحین کار نماینده‌ها هم باید نظارت دقیق و مستمر ما مردم در قالب کار تشکیلاتی قوی، وجود داشته باشد ، تا نمایندگانی که خودمان به مجلس فرستاده ایم کارشان را به بهترین نحو انجام دهند ان شاءالله.